

## مدیریت شهری و فرهنگ شهرنشینی

### عباس حسنعلی پور

دانش آموخته دکتری، الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه اصول دین، قم، ایران.

نام نویسنده مسئول:

عباس حسنعلی پور

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۴/۱۴

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۶/۰۴

### چکیده

از دیرباز انسان‌ها در کنار هم و به صورت دسته جمعی می‌زیسته‌اند. کم‌کم و با گذر زمان این اجتماعات انسانی گسترش یافته و از زندگی قبیله‌ای و روستایی، به زندگی شهری روی آورده شده است. اما هم‌زمان با رشد سریع جوامع شهری، فرهنگ اجتماعی رشد نیافته و عقب مانده است. گسترش سریع شهرها و شرایط پیشرفته‌ی زندگی شهری نسبت به زندگی روستایی و قبیله‌ای، افراد را برای مهاجرت به شهر تشویق نموده است. اما هم‌زمان با این مهاجرت، افراد مهاجر فرهنگ قبیله‌ای و روستایی را همراه خود به شهر آورده‌اند و در شهر با رویارویی با فرهنگ شهری، دچار تضاد و تناقض گشته‌اند. همین امر سبب بروز مشکلات و معضلات فراوانی در جوامع شهری گردیده است. تفاوت طبقاتی، شکاف نسل‌ها، پیشرفت سریع وسایل ارتباطی، شلوغی و آلودگی شهرها و ... از جمله مسائلی هستند که افراد مهاجر با آن مواجه شده و دچار چندگانگی گشته‌اند. این مشکلات گریبان تمامی افراد جامعه را می‌گیرد و همه را به نوعی درگیر می‌کند. از این رو ارگان‌ها و نهادهای اجتماعی و شهری وظیفه دارند برای حل این مشکلات و معضلات بکوشند. وظایف اداره‌ی شهرها در میان این ارگان‌ها توزیع شده و هر یک به نحوی برای حل این مشکلات، تلاش می‌کنند. از آن‌جا که امکان و احتمال جلوگیری از ورود افراد به شهرها تقریباً ناممکن است، اصلی‌ترین و واقع‌بینانه‌ترین روش برای کمک به رفع این معضلات، افزایش سطح فرهنگ شهرنشینی شهروندان می‌باشد. این امر با همکاری و مشارکت کلیه‌ی ارگان‌ها امکان‌پذیر می‌شود. اما در این میان می‌توان گفت مدیریت شهری نقش پررنگ‌تری نسبت به بقیه بر عهده دارد و از این نهاد بیش از سایرین انتظار می‌رود. آنچه پژوهشگر را به تحقیق در این زمینه ترغیب کرد، مشاهده‌ی آثار زیان‌بار عدم رشد فرهنگ در لایه‌های مختلف جامعه می‌باشد. از این رو این مقاله با هدف بررسی مسئله‌ی فرهنگ شهرنشینی شهروندان و نقش مدیریت شهری در افزایش این فرهنگ به نگارش درآمده است. ابتدا فرهنگ شهرنشینی تعریف و به معضلات ناشی از پایین بودن آن در سطح جوامع شهری اشاره شده و سپس به توصیف نقش مدیریت شهری و ارتباط آن با ارتقاء فرهنگ شهرنشینی اشاره شده است. روش مطالعه کتابخانه‌ای بوده و با استفاده از پژوهش‌های پیشین و مطالعات گسترده در این زمینه، به بحث و بررسی پرداخته شده است. طبق یافته‌های پژوهش، مدیریت شهری می‌تواند با ساخت مراکز فرهنگی همچون موزه، کتابخانه، فرهنگسرا، سینما، پارک و مراکز تفریحی، مراکز ورزشی، مساجد، رسیدگی به نمای شهر و زیباسازی چشم‌اندازهای شهری، کنترل

ترافیک در شهرهای شلوغ، تشویق افراد برای ماندن در زادگاه خود و آباد سازی آن، کمک به رشد و توسعه ی شهرهای کوچک، برگزاری مسابقات فرهنگی در سطح شهر، آموزش شهروندان از طریق رسانه-ها و فضای مجازی و ... گام موثری جهت ارتقاء سطح فرهنگ جامعه بردارد. البته از میزان حضور و همکاری شهروندان نیز نمی توان غافل بود؛ چرا که ارتقای فرهنگ یک ملت جز با اراده و مشارکت خود آن ملت صورت نمی پذیرد.

**واژگان کلیدی:** مدیریت شهری، فرهنگ شهرنشینی، جامعه ی شهری، کیفیت زندگی.

## مقدمه

پژوهش های کاربردی و بنیادی مرتبط با مطالعات شهری نشان می دهد یکی از نظریه های که تاثیر زیادی در روند تحولات مرتبط با این مطالعات داشته، نظریات فرهنگی- اجتماعی می باشند که به شکل مفاهیمی چون رضایت مندی از زندگی، سبک زندگی، برآورده شدن نیازهای اساسی، سرمایه های اجتماعی و کیفیت زندگی ارائه شده اند. این مفاهیم یکی از موضوعات اساسی مطالعات داخلی و خارجی بوده و توجه بسیاری از پژوهش گران و اندیشمندان را به خود جلب نموده است. هرچند سامان دهی و برنامه ریزی های شهری در کشورهای پیشرفته، از سال های پس از جنگ جهانی دوم آغاز شده، اما در کشورهای در حال توسعه، این برنامه ریزی ها در چند دهه ی اخیر مورد توجه قرار گرفته و بدان پرداخته شده است [1]. از این رو به دلیل ضعف ساختار و قوانین مدیریتی و عدم آشنایی شهروندان در اداره ی امور شهرها، رشد فرهنگ و تعامل فرهنگی چندان ارتقا نیافته و جوامع همچنان مشغول رویارویی با این عقب ماندگی های فرهنگی می باشند. شهر از انبوهی از افراد انسانی و سکونت گاه های آنان و همچنین یک سازمان اجتماعی پیچیده شامل گروه های مختلفی مانند خانواده، طبقات اجتماعی، سازمان ها و ارگان های مختلف و ... تشکیل یافته است. در تعریف شهر می توان از نوعی روحیه ی شهری یا فرهنگ شهرنشینی سخن به میان آورد که ویژگی های خاصی به زندگی شهرنشینی بخشیده است [2]. فرهنگ شهرنشینی سبک زندگی خاصی است که به شهر تعلق دارد. برای زندگی در شهر باید فرهنگ شهرنشینی به مردم آن شهر آموزش داده شود و به صورت اصولی در سبک زندگی آن ها نهادینه گردد. با توجه به عناصر تشکیل دهنده ی فرهنگ، رفتارهای انسان، ناشی از فرهنگ حاکم بر جامعه بوده و غنای یک فرهنگ، نقش مستقیم در رفتارهای متعالی دارد و هرچه فرهنگ دچار فقر و کاستی باشد در رفتارهای افراد آن جامعه، نقص و کمبود بیشتری مشاهده می شود. فرهنگ، مجموعه ای از رفتارهای آموختنی، باورها، عادات و سنن مشترک، میان گروهی از افراد است که به گونه ای متوالی توسط دیگران که وارد آن جامعه می شوند، آموخته و به کار گرفته می شوند. فرهنگ شهرنشینی بخش مهمی از فرهنگ عمومی هر جامعه را تشکیل می دهد که کیفیت آن نقش اساسی در فرایند توسعه پایدار، کیفیت زندگی، سلامت و شادابی عامه مردم دارد. از طرف دیگر تبدیل ساکنان شهر به شهروندان تمام عیار، مستلزم ایجاد و گسترش فرهنگ شهرنشینی است. همچنین نقش مدیریت شهری به عنوان کانونی برای توسعه ی پایدار فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی، برجسته و قابل توجه می باشد. در ایران وقوع انقلاب مشروطه به عنوان نقطه ی عطفی در مدیریت مدرنیته ی شهرها در نظر گرفته می شود. قبل از این اتفاق، قوانین مکتوب و مدونی برای اداره ی شهرها وجود نداشت و متولی اداره ی امور، نظام سنتی بود. از تدوین اولین قانون بلدیة در سال ۱۲۸۶ شمسی تا تشکیل شوراهای اسلامی شهرها، همواره میل به تمرکز قدرت دیده می شد [3]. از سال ۱۳۲۳ تا ۱۳۵۷ عناصر و نهاد های رسمی جدیدی بر اساس تصمیمات دولت های وقت به چرخه ی مدیریت شهرهای ایران وارد شدند که هر یک به نوعی در مدیریت شهری ایران دخالت داشته و هر یک از این سازمانها و وزارتخانه ها به صورت مستقل از یکدیگر فعالیت می کردند. اما امروزه با صنعتی شدن جوامع و تبدیل شهرهای بزرگ به کلان شهر، نقش مدیریت شهری و به ویژه شهرداری ها برای تحقق مشارکت شهروندان در تصمیم گیری ها، برنامه ریزی ها، نظارت و اجرای سیاست گذاری ها در سطوح محلی و منطقه ای پررنگ تر از قبل گشته و از این طریق زمینه ی حضور و مشارکت این نهاد در امور شهری فراهم می گردد. بنابراین ضرورت دارد در توسعه ی فرهنگ شهری، مدیریت شهری و شهرداری ها توجه خود را روی شیوه های زندگی شهرنشینی و فرهنگ شهرنشینی و هماهنگی و ایجاد تعادل در برنامه ریزی های مربوط به امور شهر و شهروندان معطوف دارند. چرا که عدم حضور فرهنگ صحیح شهرنشینی سبب بروز معضلات و مشکلات فراوانی شده و سلامت مردم و اجتماع را به خطر می اندازد. هدف از انجام این پژوهش این است

که تعریف فرهنگ شهرنشینی و نقش مدیریت شهری در ارتقاء این فرهنگ بررسی گردد. همچنین به طور اجمالی به زیان‌های ناشی از عدم حضور این فرهنگ در جامعه اشاره می‌شود [4].

### اهمیت موضوع

با گسترش شهرها و افزایش جمعیت، تعادل بین شاخص‌های کمی و کیفی برهم خورده، شاخص‌های کمی نقش تعیین کننده را در شکل‌دهی سازمان‌های مدیریتی شهرها بر عهده گرفته و میزان کیفیت عملکرد این سازمان‌ها در ارتقای سطح وضعیت اجتماعی شهروندان کاهش یافته است. بی‌توجهی و عدم آگاهی و اطلاع حکومت‌های محلی به مسائل اجتماعی و فرهنگی و هماهنگی سازمان‌های مختلف در اداره‌ی امور، زمینه را برای افزایش بحران‌های شهری هموار کرده و این احساس را به شهروندان القا می‌کند که شاید مدیران شهری قادر به انجام امور مربوط به شهر نمی‌باشند. از این رو ایجاد بستر سالم و مفید برای برنامه‌ریزی‌های اجتماعی و فرهنگی و مدیریت صحیح شهر از سوی مدیران، لازم و واجب به نظر می‌رسد. یکی از موثرترین روش‌ها برای مدیریت صحیح شهر و دستیابی به مناسبات اجتماعی و مطلوب هزینه‌های مورد نیاز، برنامه‌ریزی درست و دقیق برای ارتقای فرهنگ شهرنشینی میان شهروندان می‌باشد. آموزش و توانمند سازی شهروندان برای ارتقای دانش و افزایش مهارت‌ها، کسب عادات صحیح زندگی اجتماعی و رفتارهای صحیح شهروندی، به‌ویژه برای استفاده‌ی درست و مناسب از امکانات و زیرساخت‌های شهری از جمله موارد نقش مدیریت شهری در توسعه‌ی فرهنگ شهروندان به شمار می‌رود. مدیریت شهری ابزاری است که با آن می‌توان به توسعه‌ی پایدار اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی رسید. بنابراین لازم است مدیریت شهری برای آگاه سازی و ارتقای فرهنگ شهرنشینی و گسترش شهروندمداری در زمینه‌های مختلف فعالیت کند. با تحلیل وضعیت کنونی نظام شهرنشینی در ایران، دیده می‌شود در شهرها و کلان‌شهرها، شهرنشینی فیزیکی بر شهرنشینی فرهنگی پیشی گرفته و برخلاف شکل‌گیری قالب شهر، آثار روح و فرهنگ شهری چندان به منصفی ظهور نرسیده است. از این رو در این پژوهش به بررسی تعاریف فرهنگ، آثار عدم رشد فرهنگی جامعه و تاثیر عملکرد مدیریت شهری بر ارتقای سطح فرهنگی شهروندان پرداخته شده است.

### پیشینه پژوهش

خلیل آبادی و همکاران (۱۳۹۳) در مقاله‌ای با عنوان "بررسی تاثیر عملکرد مدیریت شهری بر ارتقا کیفیت زندگی شهروندان، نمونه موردی: محله سرشور مشهد"، به بررسی میزان اثرگذاری عملکرد مدیریت شهری بر کیفیت زندگی از نگاه شهروندان پرداخته است. این تحقیق نشان می‌دهد که بهترین استراتژی برای ارتقاء کیفیت زندگی در بافت‌های فرسوده، افزایش سطح سرانه‌ی تاسیسات و تجهیزات شهری توسط مدیریت شهری می‌باشد. مرصوصی و همکاران (۱۳۹۳) در پژوهشی با عنوان "کیفیت زندگی فرهنگی و اجتماعی در شهرهای ایران"، به مطالعه‌ی کیفیت زندگی در شهرهای ایران به روش تحقیق توصیفی - تحلیلی پرداخته‌اند. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد کیفیت زندگی در شهرهای مطالعه شده متفاوت است. به نظر می‌رسد دلیل این تفاوت کیفیت زندگی در میان شهرهای مورد مطالعه را بتوان در غالب نظریه‌های قطب رشد، مرکز پیرامون، اقتصاد سیاسی، دولت و شهرنشینی، جبرگرایی محیطی و پخش فضایی تحلیل نمود. صفی و نظریان (۱۳۹۳) در تحقیق خود با عنوان "نقش ساختار مدیریت شهری در توسعه فرهنگ شهر و شهرنشینی (مطالعه موردی: شهر همدان)"، با این فرض که مدیریت شهری همدان تنها با مشارکت شهروندان، حفظ حقوق شهروندی و ارائه‌ی خدمات مناسب به آنان می‌تواند در اداره‌ی امور فرهنگ شهر و شهرنشینی موفق باشد، به بررسی نقش و عملکرد مدیریت شهری همدان پرداخته است. نتیجه‌ی به دست آمده نشان می‌دهد ساختار مدیریت شهری همدان از انسجام، انعطاف پذیری، کارآمدی و مشارکت لازم برخوردار نیست و برای ارتقای فرهنگ شهر و شهرنشینی نیاز است برنامه‌ریزی جامع‌تر و دقیق‌تری وجود داشته باشد. همچنین از آن جا که اکثر شهروندان همدانی با مفهوم حقوق شهروندی آشنایی چندانی ندارند و در اداره‌ی امور شهر رغبت چندانی از خود نشان نمی‌دهند، آگاه‌سازی، آموزش و توانمند سازی شهروندان جهت ارتقای مهارت‌ها و کسب عادات صحیح زندگی اجتماعی برای اجرای صحیح قوانین و اداره‌ی بهینه‌ی امور لازم و ضروری می‌باشد. مجتبی‌زاده خانقاهی و آزادی (۱۳۹۴) در پژوهشی با عنوان "نقش مدیریت شهری در ارتقاء کیفیت زندگی شهروندان (مطالعه موردی: منطقه ۷ شهر تهران)"، به بررسی میزان اثرگذاری عملکرد مدیریت شهری بر کیفیت زندگی از نگاه

شهروندان پرداخته‌اند. نتایج پژوهش حاکی از آن است که بین متغیرهای مدیریت شهری و کیفیت زندگی شهروندان همبستگی مثبت وجود دارد. همچنین بین شاخص‌های مدیریت شهری اختلاف معناداری وجود داشته و خدمات شهری نسبت به سایر شاخص‌ها در رتبه‌ی بالاتری قرار دارد. شهشهانی اصفهانی نژاد و حداد (۱۳۹۷) در مقاله‌ای با عنوان "شناسایی و مدیریت آسیب‌های فرهنگی و اجتماعی شهر تهران"، به شناسایی آسیب‌های اجتماعی و فرهنگی و بررسی نحوه‌ی مدیریت آن‌ها پرداخته‌اند. در این تحقیق آسیب‌های اجتماعی به سه زیر شاخه‌ی فردی، خانوادگی و محیطی و همچنین آسیب‌های فرهنگی به سه زیر شاخه‌ی گسیختگی فرهنگی، بی‌اعتمادی و از خود بیگانگی تقسیم شده‌اند. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد آسیب‌های فردی فاقد نقش، ولی آسیب‌های خانوادگی و محیطی دارای نقش ویژه‌ای در آسیب‌های اجتماعی می‌باشند. همچنین گسیختگی فرهنگی، بی‌اعتمادی و از خود بیگانگی هر سه دارای نقش پررنگی در آسیب‌های فرهنگی هستند.

صید بیگی و همکاران (۱۳۹۷) در مقاله‌ای با عنوان "نقش مدیریت شهری در توسعه‌ی فرهنگ شهر و شهرنشینی (مطالعه موردی: شهر ایلام)"، به شناسایی عوامل موثر در بهبود مدیریت شهری ایلام و تاثیر آن در توسعه‌ی فرهنگ شهر و شهرنشینی پرداختند. نتیجه‌ی پژوهش نشان داد مدیریت شهری از انسجام، انعطاف‌پذیری، کارآمدی و مشارکت لازم برخوردار نمی‌باشد و نیاز است جهت ارتقای فرهنگ شهر و شهرنشینی شهروندان توجه بیشتر و برنامه‌ریزی دقیق‌تری صورت پذیرد. همچنین آگاه‌سازی، آموزش و توانمندسازی شهروندان جهت ارتقای مهارت‌ها و کسب عادات صحیح زندگی اجتماعی، پیش شرط لازم در اداره‌ی امور شهر می‌باشد. شمعی و ابراری در تحقیقی با عنوان "نقش مدیریت یکپارچه شهری در توسعه‌ی فرهنگ شهرنشینی شهر تهران"، به یافتن راهکاری جهت یکپارچه سازی مدیریت شهری و توسعه‌ی فرهنگ شهرنشینی و بهره‌گیری از توان‌ها و فرصت‌های موجود در همه بخش‌ها پرداخته‌اند. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که متناسب با رشد شهرنشینی در شهر تهران و گسترش سازمان‌ها و ادارات مختلف، تضاد تصمیم‌گیری‌ها و برنامه‌ها و نابسامانی‌ها در فضاهای شهری تشدید گردیده است. همچنین بررسی‌های انجام گرفته حاکی آن است که رابطه متقابلی بین مدیران شهری در چگونگی ساخت فضاها وجود ندارد. فضاهای منظم و زیبا موجب رشد و توسعه فرهنگی می‌گردد. یافته‌ها نشان می‌دهد که در شهر تهران بیشترین ناهماهنگی‌ها مربوط به سازمان‌های آب، برق و مخابرات در امور حفاری می‌باشد که موجب آزدگی روحی و ناهنجاری‌های اجتماعی شده است. این ناهماهنگی‌ها در مناطق جنوبی شهر بیشتر محسوس است و در شمال شهر ناهماهنگی‌ها کمتر می‌باشد.

## مروری بر ادبیات تحقیق

قبل از پرداختن به مباحث نظری و ادبیات موضوع، لازم است ابتدا به تعریف و مفهوم برخی از کلمات و عبارات کلیدی تحقیق پرداخته شود، از جمله؛

### مدیریت شهری

مدیریت به معنای برنامه‌ریزی، سازمان‌دهی، نظارت و ایجاد انگیزش است. چنان‌چه شهر به عنوان یک سازمان در نظر گرفته شود، لازم است در رأس آن و به منظور اداره‌ی بهتر امور، از فنی استفاده شود که مدیریت شهری نام دارد. مدیریت شهری باید برای شهر، برنامه‌ریزی‌هایی داشته باشد، فعالیت‌های شهری را سازمان دهد و بر فعالیت‌های انجام شده نظارت نموده و حتی برای انجام بهینه‌ی امور، انگیزش ایجاد نماید وظیفه‌ی مدیریت شهری اداره‌ی امور مربوط به شهر جهت ارتقای مدیریت پایدار مناطق شهری در سطح محلی با در نظر گرفتن و پیروی از اهداف و سیاست‌های ملی، اقتصادی و اجتماعی کشور می‌باشد. این ارگان متشکل از یک سازمان گسترده از عناصر و اجزای رسمی و غیررسمی مؤثر و ذریبط می‌باشد که در ابعاد مختلف اجتماعی، اقتصادی و کالبدی شهری، با هدف اداره، کنترل و هدایت و توسعه‌ی همه جانبه و پایدار شهر تلاش می‌کند. از جمله مسائل مهم مدیریت شهری، شناخت، ساماندهی و تعیین جایگاه نهادها و سازمان‌های مرتبط با توسعه شهر را می‌توان نام برد. ایجاد ارتباط بین این نهادها و هماهنگ ساختن فعالیت‌های آن‌ها در جهت اهداف و سیاست‌های توسعه‌ی پایدار شهری از دیگر عواملی است که دارای نقش بسزایی در مدیریت شهری می‌باشد [5]. مجموعه‌ی این مشخصات، ساختار مدیریت شهری را تشکیل می‌دهند. رویکردهای جدید مدیریت شهری که با نام «مدیریت هدف‌دار» ذکر می‌شود، روندی پویا است که در آن اهداف مشخص شده و

به عنوان وظایف مدیریت به کار گرفته می‌شود. در این نظام تمام کسانی که در اداره‌ی امور بخش‌های مختلف شهر مسئول هستند، برای ایجاد تغییرات اساسی در محیط پیشقدم شده و با روش‌هایی استدلالی و منطقی در حل مشکلات و مسائل شهر گام برمی‌دارند. مهم‌ترین برنامه‌ی سازمان ملل متحد در زمینه‌ی مدیریت توسعه‌ی شهری، «برنامه مدیریت شهری» می‌باشد که تحت نظارت سازمان ملل و بانک جهانی تدوین و به اجرا درآمده است. این برنامه وظایف دهگانه مدیریت شهری را به شرح زیر بیان می‌کند: توجه به توسعه پایدار، مدیریت محیط زیست، کاهش فقر شهری، مدیریت حمل و نقل شهری، بهبود اقتصاد شهری، مدیریت زمین شهری، مدیریت زیرساخت‌های شهری، مدیریت کالبد شهری، حمایت از ظرفیت‌های بالقوه محلی، توسعه و تأمین منابع مالی شهرداری‌ها. (مرکز مطالعات و برنامه ریزی شهری وزارت کشور) مدیریت محلی شهری زمانی تأثیرگذار است که ضمن دریافت حمایت‌های دولت مرکزی و رعایت اصل وحدت، تنوع محلی نیز داشته باشد. در این گونه مدیریت هیچ‌گونه افتراق و گسیختگی میان سازمان‌ها و نهادهای مرتبط با توسعه‌ی شهری با سازمان‌های دولت مرکزی دیده نمی‌شود [6]. در واقع مدیران محلی با قدرت ناشی از اراده‌ی شهروندان، به درون نظام مرکزی نفوذ نموده و هماهنگی فعالیت‌ها و اقدامات سازمان‌های موثر در توسعه‌ی شهری را ایجاد می‌نمایند. مدیریت صحیح و کنترل شده‌ی شهر به آگاهی از اصول مدیریت، برنامه‌ریزی، ارتباطات، انگیزش، سازمان‌دهی، هدایت و رهبری و نظارت و کنترل باز می‌گردد. روشن است که مشخصات و ساختار نهادهای قانونی اداره‌کننده‌ی شهر در کشورهای مختلف با هم متفاوت است و هر جامعه‌ای با توجه به ساختار اقتصادی، اجتماعی و سیاسی خود تعریف یا تلقی خاصی از مدیریت شهری دارد. مدیریت شهری به تمامی نهادها، سازمان‌ها و افرادی گفته می‌شود که به صورت رسمی یا غیررسمی در فرآیند مدیریت شهر اثرگذار می‌باشند. مهم‌ترین هدف مدیریت شهری را می‌توان در ارتقای شرایط کار و زندگی جمعیت ساکن در قالب اقشار و گروه‌های مختلف اجتماعی و اقتصادی و حفاظت از حقوق شهروندان، تشویق به توسعه‌ی اقتصادی و اجتماعی پایدار و حفاظت از محیط کالبدی دانست [5]. شهر نمی‌تواند شهری فرهنگی باقی بماند، مگر آنکه مدیریت شهری بر عناصر فرهنگی آن شهر مدیریت کرده و آن را به یک سرمایه‌ی فرهنگی بدل کند. یک شهر فرهنگی با مردم فرهنگی، مطالبات زیادی دارد که این مطالبات بدون مدیریت شهری واحد جایگاهی جدی نمی‌یابد و برای ارتقای فرهنگ شهری به‌تنهایی کفایت نمی‌کند. زمانی که شیوه‌ی زندگی جامعه بر مبنای یک فرهنگ قوی علمی و توسعه‌یافته قرار گرفت، به آسانی می‌توان بنیادهای توسعه پایدار را بر آن استوار کرد. بر این اساس و با توجه به اینکه در تعریف کلی فرهنگ که شامل باورها، ارزش‌ها، اعتقادات و تمدن یک جامعه است، اگر قرار باشد راه‌حلی برای تحول و تغییر فرهنگ ارائه گردد، به مدیریت کارآمد شهری و برنامه‌ریزی اصولی نیاز است. انسجام و همبستگی، تعامل و پیاده کردن نظام شهری در شهر نیازمند مدیریت واحدی است و این امر تنها در صورتی انجام می‌پذیرد که فرهنگ مدنی در شهر ایجاد شود. فرهنگ مدنی فرهنگی است که در آن دو گونه اعتماد وجود دارد؛ یکی اعتماد شهروندان به یکدیگر و دیگری اعتماد متقابل آن‌ها به مدیران شهری. در صورت اعتماد شهروندان به مدیران شهری، توان مدیران در پیاده کردن اهدافشان افزایش می‌یابد و به سبب مشارکت و حضور مردم از هزینه‌ها کاسته می‌شود. از این رو بنا به ضرورت توسعه‌ی شهری و توسعه‌ی فرهنگ شهری و برای بهبود وضعیت اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی شهرها باید با برنامه‌ریزی و مدیریت شهری وارد عمل شد و قواعد اصولی احداث مسکن، کسب و کار سالم، ارتباطات و حمل و نقل سریع و اوقات فراغت با برنامه را در بین شهرنشینان ترویج داد [5].

### فرهنگ شهرنشینی و آسیب‌های ناشی از پایین بودن آن در جامعه

بررسی تاریخچه شهرنشینی در ایران نشان می‌دهد که کشور ما در این زمینه قدمتی بس طولانی در جهان دارد. شهرهای دوره‌ی باستانی در زمان ساسانیان ایجاد شده و در آن دوران گسترش یافته و رونق گرفته‌اند. بعد از فتح ایران به دست مسلمانان، طرز تفکر و عقاید اسلامی، در فرهنگ شهرنشینی و نحوه‌ی ارتباط روستا با شهر، وارد شد. در دوران اسلامی به دلیل وسعت نفوذ در مناطق مختلف و گسترش مبادلات، شهرنشینی رونق فراوان یافت. با تهاجم مغولان، شهرنشینی در ایران رو به زوال گذاشت و تنها در دوران غازانخان رونق نسبی به شهرها بازگشت. شهرنشینی در دوران صفویه رونق یافت و اعتقادات مذهبی حاکم، بر کالبد شهر نیز تأثیر گذاشت. در دوران معاصر نیز به تبعیت از الگوهای شهرنشینی و شهرسازی غربی و به دنبال رواج انواع خودروها، اقدامات عمرانی بسیاری در شهرها انجام شد. در تمدن و شهر اسلامی، پیوندی ناگسستنی بین زندگی مادی و معنوی وجود

دارد. [6] دین اسلام فراتر از یک آیین رسمی و شیوه کامل زندگی در همه اعصار و قرون است. شهر نیز به عنوان کانون زیست و فعالیت انسان‌ها مورد توجه اسلام بوده، به گونه‌ای که می‌توان شهر اسلامی را مکان تبلور جمیع آموزه‌های اسلامی دانست. جهانی که امروز در آن زندگی میکنیم، به دلیل رشد فناوری و گسترش روز افزون ارتباطات، خواه ناخواه هر روز کوچک و کوچکتر شده و امتزاج و اختلاط فرهنگ‌ها افزون‌تر می‌گردد. اما جهان همچنان که در اثر توسعه ارتباطات کوچک‌تر می‌شود، از جهت ذهنی گسترش یافته و برای حل مسائل خود نیازمند تخیلی نیرومندتر می‌گردد. فرهنگ شهرنشینی و پیشرفت‌های جهانی، رویدادهایی هستند که افراد هر جامعه برای همگام شدن با آن باید دانش و مهارت‌های لازم برای شهرنشینی در کلانشهرها و مؤثر بودن در جامعه‌ی جهانی را کسب کنند. در طول قرن بیستم در پی افزایش جمعیت و تغییر در نظام فرهنگی و هنجاری در بسیاری از نقاط جهان به ویژه در جوامع صنعتی و کلانشهرها، میزان آسیب‌های اجتماعی و فرهنگی روندی افزایشی به خود گرفته است. نابسامانی خانواده، بیکاری، سرقت، بزهکاری، فساد اداری، جرایم مالی، حاشیه‌نشینی، فقر، تکدی‌گری، قاچاق و اعتیاد به مواد مخدر، خودکشی، بحران هویت، جرم و جنایت، قتل، آدم‌ربایی، خودکشی، طلاق و... و سایر آسیب‌های اجتماعی در شهرهای بزرگ و توسعه یافته‌ی جهان و فراخور آن در شهرهای ایران، از جمله مسائلی است که دنیای بشری با آن روبرو گشته است. این موضوع که چه آسیب‌هایی، در چه جوامعی بیشتر اتفاق می‌افتد و یا اینکه چه شرایط و ویژگی‌هایی موجب بروز کدام نوع از آسیب‌ها می‌گردند و در کدام حوزه‌ها آسیب‌ها خطرناک‌تر هستند، همواره موضوعی برای اندیشیدن است. از آنجا که شهر محصول مستقیم جامعه‌ای است که شهروندان در آن زندگی می‌کنند، گوناگونی منظر شهرها، معلول اندیشه‌های متفاوت مدنی در جوامع می‌باشد. در عصر معاصر، شهرنشینی و شهرگرایی مفاهیمی هستند که برای رشد کیفی، قابل تأمل و بررسی می‌باشند. شهرنشینی به معنای استقرار انسان‌ها در شهر و شهرگرایی، سبک زندگی و شیوه‌ی تفکر خاص در شهر است. فرهنگ شهرنشینی از مهم‌ترین مسائلی است که در پی رشد شهرنشینی و صنعتی شدن جوامع و پیدایش کلانشهرها، مشکلات گسترده‌ای را ایجاد کرده است. نقش فرهنگ به عنوان مهم‌ترین عامل تأثیرگذار در توسعه‌ی ایران اسلامی و مدرن، از اهمیت خاصی برخوردار است. انبوه زیاد جمعیت در شهر زندگی شهرنشینان را با چالش‌های اساسی مواجه می‌کند. کیفیت زندگی شهری مبحثی است که از نیمه دوم قرن بیستم اهمیت یافته و هر روز نیز بر اهمیت آن افزوده می‌گردد [7]. بر این اساس در بسیاری از کشورهای توسعه یافته نهادهایی جهت پیش، اندازه‌گیری، تدوین و بروز رسانی شاخص‌های کیفیت زندگی شهری ایجاد شده‌اند که به طور مستمر و پیگیر و اکثراً سالانه فعالیت می‌کنند، تا از این طریق مردم از زندگی با کیفیت مطلوب بهره‌مند شوند. الگوهای ارزیابی از محیط‌های سکونت می‌تواند در شناسایی و بررسی کیفیت زندگی با هدف ارتقای آن مؤثر واقع گردد. در این الگوها، روش‌های به کار رفته و در عین حال نوع شاخص‌های مورد استفاده در نواحی مختلف، متفاوت می‌باشد. آموزش فرهنگ شهرنشینی و شهرگرایی چهره‌ی جهانی نیز دارد و هر یک از شهروندان برای همگام شدن با پیشرفت‌ها باید دانش و مهارت‌های لازم را کسب کنند تا در جامعه جهانی مفید و مؤثر ایفای نقش کنند. آموزش شهروندی افراد را یاری می‌کند تا شناخت شفاف و درستی از نقش خود در جامعه به دست آورند و درک کنند که چگونه زندگی آن‌ها در رشد جوامع فرهنگی تأثیرگذار است. زندگی شهری در عصر حاضر، قوانین، ارتباطات و تعاملات خاص خود را می‌طلبد. هرگونه کوتاهی و نادیده گرفتن قوانین، تنش‌ها، خشونت‌ها و ناملازمات اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی را ایجاد می‌کند، به نحوی که این اتفاق بر شرایط روانی، عصبی و رفتاری افراد تأثیر داشته و این تأثیرات به افراد دیگر، خانواده‌ها و همکاران منتقل می‌گردد [8]. گسترش شهرنشینی و ورود فرهنگ مادی با سرعتی بی‌سابقه رخ داده و از آنجا که بسیاری از افراد، آمادگی لازم برای ورود به این نوع زندگی را نداشتند، بسیاری از چالش‌ها و نابهنجاری‌های فردی و اجتماعی پدیدار گشته است. بنابراین باید قوانین شهرنشینی به شهروندان آموزش داده شود و در برابر هر قانون یا ضابطه‌ای، ضمانت اجرایی لازم نیز فراهم آید و در شرایطی که لازم باشد افراد باید مجازات شوند. تغییر فرهنگی فرایندی است که طی آن اجزای مختلف یک فرهنگ با گذر زمان، دگرگون می‌گردند. هر نوع تغییری در اجزا و کلیت فرهنگ، در سازمان‌های اجتماعی تحولاتی را به وجود می‌آورد و اگر شتاب این تغییرات زیاد باشد، می‌تواند آسیب‌هایی را به دنبال بیاورد. با نزدیک شدن فرهنگ‌ها به یکدیگر، تأثیرگذاری آنها بر هم افزایش یافته و به همان نسبت موضوعات سازگاری و انطباق نیز بیشتر می‌شود. زیرا کشفیات و اختراعات و دانش علمی با تصاعدی هندسی پیش رفته و توده‌ی مردم که عموماً منفعل و اسیر رفتار کلیشه‌ای خود هستند، نمی‌توانند با مشکلات و معضلات مقابله نمایند. اگر بشر نتواند همچنان که دانش او محیط را تغییر می‌دهد، انطباقی نوین و

مبتکرانه با محیط بیابد، فرهنگ، آسیب جدی خواهد دید و بهایی که بشر به خاطر فقدان خلاقیت خواهد پرداخت، نه تنها ناسازگاری‌های فردی و آسیب‌های روانی را در پی خواهد داشت، بلکه فرهنگ خود را نیز از دست خواهد داد. از آنجا که تغییر فرهنگی، سازش‌های جدید را می‌طلبد، اضطراب افراد نیز افزایش می‌یابد. ویژگی عمده این اختلال (اضطراب تعمیم یافته) ترس از آینده است. این ترس بی‌اساس بوده و به موضوع معینی مربوط نمی‌شود. عدم انطباق فرد با دگرگونی‌های سریع و تغییرات فرهنگی ناپایدار عصر کنونی، آشفتگی‌های دیگری نیز به دنبال خواهد داشت. اگر فرهنگ شهرنشینی بر رفتارهای اجتماعی مردم یک شهر به خوبی حاکم باشد، دیگر هیچ شهروندی به خود اجازه نمی‌دهد آرامش و آسایش دیگران را به مخاطره بیندازد [7]. به دلیل ناآشنایی اکثر شهروندان با قوانین و فرهنگ صحیح شهرنشینی، هر روز درگیری‌ها و برخوردهایی اتفاق می‌افتد که محصول و منشأ این بار روانی بر روحیه‌ی آنان است. همچنین عدم مشارکت در امور شهری نوعی استبداد و خودخواهی را به وجود آورده است. (نعمتی) زمانی که کاری انجام گیرد که چه از نظر فیزیکی و چه روحی و روانی به افراد دیگر جامعه صدمه و آسیب وارد سازد یا زیبایی‌های سمعی و بصری شهر از بین رفته و حقوق دیگران پایمال شود، نشان از آن دارد که حضور فرهنگ در جامعه کم‌رنگ شده و مردم به نوعی بی‌فرهنگی دچار گشته‌اند. امروزه اساسی‌ترین و آشکارترین قوانین مربوط به شهروندی، احترام به حقوق دیگران، وقت‌شناسی، عدم ایجاد مزاحمت در قالب انواع مختلف آن، حفظ محیط‌زیست، ایجاد فضا و محله‌ای سالم، پیش‌گیری از هرگونه آلودگی‌ها از نوع محیطی، صوتی و... مشارکت در اداره شهر و جلوگیری از تخریب اموال عمومی است که باید با ایجاد زمینه‌های فرهنگی، بنیان قوانین شهروندی را هرچه بیشتر تقویت کرد. [9]

### انواع فرهنگ شهروندی

«شهروندی» به معنای یک نوع قرارداد متقابل اجتماعی و یک سری حقوق متقابل دولت بر ملت و ملت بر دولت و هم چنین یک احساس مشترک عمومی نسبت به هویت اجتماعی و ملی در یک محدوده‌ی مشخص سرزمینی است. در این تعریف، فرهنگ شهروندی به مجموعه‌ای از ارزش‌های اجتماعی مانند مساوات طلبی، مردم سالاری و مسئولیت پذیری مدنی، سیاسی و اجتماعی شهروندان اطلاق می‌شود. این عناصر و ارزش‌ها جزء حقوق شهروندی در جوامع جدید محسوب می‌گردد. شهروندی در برگرفته‌ی حوزه‌های زیر است:

«شهروندی مدنی» یا پذیرش آزادی فردی، حفاظت از فرد در مقابل اقدامات غیرقانونی، برابری در مقابل قانون و ممنوعیت تبعیض.

«شهروندی اقتصادی» یا پذیرش حق افراد جامعه در دست یابی به شغل خلاق و با معنا؛ بهره‌مندی یکایک اعضای جامعه از امکانات و کاهش و رفع نابرابری‌های مادی و مالی.

«شهروندی سیاسی» یا پذیرش حق انتخاب شدن و انتخاب کردن، دسترسی به اطلاعات و فرصت برابر در زمینه‌ی مطالبات سیاسی.

«شهروندی اجتماعی» یا مشارکت فعال در سطوح مکانی خرد و کلان (محلی، شهری و کشوری)، برابری فرصت‌ها، دسترسی به آموزش، امکانات بهداشتی، تأمین گذران فراغت سالم و خلاق، توسعه عرصه عمومی، پذیرش انواع زندگی انجمنی، دسترسی به امکانات رفاه اجتماعی و خدمات اجتماعی.

«شهروندی فرهنگی» یا پذیرش سبک زندگی و آداب و سنن اقوام، زبان و گویش‌های مختلف سرزمینی، به رسمیت شناختن تکثرها و هویت‌های فرهنگی در قالب هویت عام ملی (کثرت در وحدت). [9]

بی تردید بین ابعاد و حوزه‌های شهروندی با یکدیگر و با کلیت سازه‌ی شهروندی رابطه‌ی مکمل برقرار است. به بیان دیگر ابعاد و حوزه‌های مزبور مکمل یکدیگرند و از این رو مقوم، زاینده و بازتولید کننده هم هستند. ضعف و ناپایداری در هر یک از ابعاد شهروندی در تشدید ناپایداری ابعاد دیگر تاثیرگذار است و این به نوبه‌ی خود بر کلیت سازه‌ی شهروندی اثرگذار است. به طوری که کم و کیف وضعیت شهروندی در هر یک از ابعاد، بر کم و کیف وضعیت ابعاد دیگر شهروندی اثر می‌گذارد و در نهایت بر وضعیت کلیت نظام شهروندی اثر بی چون و چرا دارد. از آنجا که بخشی از مشکلات و نابسامانی‌های موجود در اداره‌ی شهرهای بزرگ به علت عدم توجه اقشاری از شهرنشینان به شیوه‌های عقلانی زندگی و شهرنشینی بوده و فقدان یا کمبود آگاهی

از فرهنگ شهروندی و الگوهای رفتاری زندگی شهری هزینه‌های گزافی را به ساکنان شهر، مدیریت شهری و محیط شهری تحمیل می‌نماید، لذا لزوم توسعه فرهنگ شهرنشینی و به‌دست آوردن مهارت‌های شهروندی در میان ساکنان شهر از اهمیت بالایی برخوردار بوده و لازم است از طریق روش‌ها و سازوکارهای آموزشی و ترویجی در گسترش و بهبود فرهنگ شهروندی گام برداشته و این فرهنگ نهادینه گردد [10]. از این رو به منظور تحقق این هدف، تدوین راهکارهای ارتقای فرهنگ شهروندی از سوی مدیریت شهری لازم و ضروری بوده و از اهمیت ویژه‌ای در اداره‌ی شهرها برخوردار می‌باشد. فرهنگ شهروندی به شکل‌های زیر تعریف می‌گردد:

(۱) فرهنگ صداقت، راستی، امانت داری و وجدان کاری که فرهنگ رفتاری افراد را شکل می‌دهد و کمک می‌کند تا سرمایه‌های انسانی، مادی، اقتصادی و فیزیکی در تعامل سازنده با یکدیگر قرار گرفته و تسهیل‌کننده‌ی مناسبات سالم میان آن‌ها باشد و هزینه‌های مترتب را کاهش دهد.

(۲) فرهنگ الگوی مصرف پایدار که اهمیت بخشیدن به مقوله‌ی درست مصرف کردن است و در واقع به معنای نهادینه سازی روش استفاده درست از منابع است و موجب ارتقای شاخص‌های زندگی و کاهش هزینه‌ها و زمینه مناسبی برای گسترش عدالت است.

(۳) فرهنگ نظم و انضباط اجتماعی و قانون‌گرایی که حاکی از آن است که قوانین در هر جامعه‌ای مبنای اصلی نظم اجتماعی محسوب می‌شود، به طوری که بدون وجود قوانین، نظم و انتظام اجتماعی میان افراد، سازمان‌ها و نهادهای اجتماعی غیرممکن خواهد بود. قانون جایگاه افراد را در نظام اجتماعی معین ساخته و توقعات و انتظارات را در جهت منطقی هدایت می‌کند. قانون نه تنها رابطه میان کنش‌گران را تعریف می‌کند، بلکه روابط میان نهادها و گروه‌های اجتماعی را نیز در سطح کلان مشخص کرده و برای کسانی که از آن تخطی می‌کنند، مجازات‌هایی در نظر می‌گیرد.

(۴) فرهنگ و آیین همسایگی با تاکید بر آپارتمان‌نشینی که بیان‌گر هنجارها و ارزش‌هایی است که مسایل روزمره‌ی زندگی و هم‌جواری، از قبیل پرداخت‌های مرتب ماهیانه، مراعات آسایش همسایگان، همکاری و اشتراک مساعی در حل و فصل مسایل و مشکلات آپارتمان و محله و پیوند اجتماعی میان آنان و غیره را تنظیم می‌کند. این مجموعه، ارزش‌ها، افکار، احساسات و رفتار همسایگانی را شکل می‌دهد که با یکدیگر در یک محل یا یک ساختمان زندگی می‌کنند و پیوسته با هم در تعامل هستند.

(۵) فرهنگ نظافت و بهداشت عمومی با تاکید بر کاهش تولید و تفکیک زباله که نقش و مشارکت شهروندان در این امر بسیار ضروری و حائز اهمیت است. ترویج فرهنگ نظافت و بهداشت شهری به ویژه در خصوص کاهش تولید و تفکیک زباله و مشارکت - دهی شهروندان، خدمات رسانی شهرداری را در سطح مناطق و محلات شهری تسهیل نموده و بهبود خواهد بخشید.

(۶) فرهنگ صحیح رفتار ترافیکی (کاهش آلودگی هوا و ترافیک) که بسیاری از صاحب‌نظران بر نقش و اهمیت ترویج فرهنگ ترافیکی تاکید ویژه دارند. هرچند توسعه و اجرای طرح‌های بهبود ترافیک شهری ضروری و لازم است، اما جایگاه فرهنگ سازی و مشارکت شهروندان در زمینه تسهیل و روان سازی ترافیک حائز اهمیت بوده و می‌بایست مورد توجه بیشتری قرار گیرد.

(۶) فرهنگ سلامت شهروندی با تاکید بر تغذیه سالم که بیان‌گر نقش و اهمیت ارتباط میان تغذیه و سلامت افراد جامعه می‌باشد. از آن جا که کیفیت تغذیه و ارتقای آن علاوه بر آن که ضامن سلامتی افراد جامعه است، نشاط و بهره‌وری را نیز به ارمغان می‌آورد، این امر مورد توجه در برنامه‌ریزی‌ها و سیاست‌گذاری‌های شهری قرار گرفته است [11].

(۸) فرهنگ طراحی و استفاده از فضای سبز در زندگی شهری که به علت رشد صنعت و افزایش جمعیت در شهرها و در پی آن ساخت و سازهای انبوه، نیاز به این مورد در زندگی شهری به لحاظ زیست محیطی به شدت احساس می‌شود. امکانات جدید شهری برای پاسخ‌گویی به نیازهای روزافزون و اسکان جمعیت به تدریج باعث کاهش سهم فضای سبز و باغ‌های شهری شده است و در نتیجه موجب آلودگی در محیط زیست شهری گردیده است. با این که شهرداری‌ها وظیفه توسعه و گسترش فضاهای سبز شهری را به عهده دارند اما به منظور توفیق بیشتر در این زمینه مشارکت و همراهی شهروندان امری ضروری و حیاتی به نظر می‌رسد. در این راستا مدیریت شهری، می‌تواند در ترویج فرهنگ طراحی و استفاده از فضای سبز در زندگی شهری در میان شهروندان نقش مؤثری ایفاء کند.



۹) فرهنگ سازی در جهت افزایش ایمنی شهری (زلزله و حوادث غیرمترقبه) که هنگام مواجهه با حوادثی چون زلزله، رانش زمین، سیل، طوفان مخرب، خشکسالی و شیوع بیماری های واگیردار، انفجارات مواد هسته ای یا شیمیایی در مراکز صنعتی یا ناشی از جنگ های نظامی لازم و ضروری می باشد و در این گونه مواقع می توان با به کار بستن تدابیر ایمنی و بهداشتی در حفظ سلامت انسان ها و یا کاهش اثرات آنها اقدام به موقع به عمل آورد. آموزش، آگاه سازی و توانمندسازی شهروندان به منظور مقابله و کاهش تلفات انسانی و خسارات ناشی از این مخاطرات محیطی از جمله وظایفی است که مدیریت شهری برای خود می تواند قائل شود. [11]

### عملکرد مدیریت شهری و کیفیت زندگی

کیفیت زندگی شهری معمولاً هم توسط شاخص های ذهنی و با استفاده از پیمایش هایی در جهت جمع آوری ادراکات ذهنی و ارزیابی ها و میزان رضایت شهروندان از زندگی شهری و هم توسط شاخص های عینی و با استفاده از داده های ثانویه و وزن دهی مربوط به هر شاخص در محیط شهری انجام می گیرد. هدف اصلی مدیریت شهری، بهبود کیفیت زندگی و خوشبختی شهروندان است، اگرچه کیفیت زندگی مفهومی چندبعدی بوده و جنبه های مختلفی را در بر می گیرد. در روند ارتقای کیفیت زندگی شهروندان، متغیرهای گوناگونی نقش دارند، که در این میان نقش مدیریت شهری در مناطق مسکونی برجسته تر می باشد، چرا که مدیریت شهری با فراهم نمودن امکانات و خدمات ساختاری در شهرها، می تواند چشم اندازی زیبا و دلنشین از شهر و محیط آن، برای ساکنین ایجاد نماید. از این رو در بحث کیفیت زندگی شهروندان لازم است که بررسی ها و مطالعات بیشتری در جهت توسعه و بهبود نقش مدیریت شهری صورت گیرد [12]. کیفیت زندگی شهری یکی از مهم ترین مسائل پیش روی دنیای کنونی بوده و از مباحث اساسی در تکوین سیاست گذاری اجتماعی مرتبط با شهر به حساب می آید که موضوعاتی چون نیازهای اساسی، رفاه، کیفیت زندگی، زندگی روبه رشد و رضایت بخش، نوع دوستی و از خود گذشتگی در میان شهروندان را در بر می گیرد. این امر، موضوع و هدف مجموعه ای از تلاش ها را شکل می دهد که نقطه ی عطفی برای منازعات حول محور نظریه های اجتماعی، روانشناسی، اقتصادی، جغرافیایی و سایر مکتب ها و نظریه های علمی می باشد. در کشورهای در حال توسعه رویکرد رشد و توسعه ی شهری، اغلب با سه هدف مورد استفاده قرار گرفته است: اول مدرنیته کردن مناطق عقب افتاده، بدین صورت که در این گونه مناطق توجه بیشتر دولت به یک یا چند شهر معطوف شده و با افزایش سرمایه گذاری برای آنها، موجب بهبود کیفیت زندگی مردم می گردد، دوم ایجاد مراکز شهری در مناطقی که منابع طبیعی دارند، سوم در مواردی که مشکل رشد فزاینده در متروپل به وجود می آید. در این موارد دولت با سرمایه گذاری در سایر شهرها سعی در کاهش رشد متروپل دارد [13]. این راهبرد به علل مختلف به عنوان ابزار سیاست گذاری مورد استقبال کشورهای مختلف قرار گرفته است. چندین نظریه نیز پیرامون علل رشد شهرنشینی توسط اندیشمندان ارائه گردیده که در ادامه به طور خلاصه به بیان آنها می پردازیم. نظریه پردازان مدل اقتصاد سیاسی، افزایش کیفیت اقتصادی زندگی شهروندان را بر مبنای ایده ی عدم کارایی بازار تعریف می کنند. از نگاه مکتب نئوکلاسیک اقتصاد به معاملات خصوصی خواهان حداکثر سود گفته می شود و سیاست، به کار بردن قدرت دولتی برای رسیدن به همان هدف اطلاق می شود. این گروه معتقدند کیفیت زندگی به دو شکل بهبود می یابد. اول پذیرش این اصل که تغییر، از نیروها و فرایندهای درونی جامعه پدید می آید و نه با تصمیم دولت. دوم آنکه دولت باید لزوم تغییرات و هدایت جامعه را شناسایی و راهبری نماید. نظریه پردازان مدل مرکز و پیرامون معتقدند که برخی از جوامع غربی، از چندین مرحله برای دستیابی به توسعه عبور نموده اند تا به توسعه رسیده و کیفیت زندگی مردم جامعه ی خود را بهبود بخشیده اند. در حالی که بسیاری از جوامع جهان سوم در مرحله ی اول توسعه باقی مانده اند. در این جوامع، "مرکز" به عنوان کانون قدرت، مرکز تجمع و تمرکز افکار و اندیشه ها، کانون هدایت و سلطه، مرکز پیشرفت علم و فناوری، کانون سرمایه گذاری و نیز کانون توسعه به حساب می آید و سطح کیفیت زندگی شهروندان در آن بسیار بالاتر از "پیرامون" است. برعکس، "پیرامون"، به عنوان فراهم آورنده ی منابع و تأمین کننده ی نیازهای مرکز، جایگاهی کاملاً وابسته داشته و مردم آن از سطح کیفیت زندگی پایین تری نسبت به شهروندان مرکز، برخوردار هستند. [12] نظریه پردازان مدل جبرگرا معتقدند شرایط محیط طبیعی یا عملکردهای انسانی، اساس قانون علی محسوب می شود. به اعتقاد این گروه، عوامل محیط طبیعی بر فعالیت ها، تصمیم گیری ها، الگوها و رفتارهای انسانی و به طور کلی بر کیفیت زندگی انسان تسلط یافته و قوانین

خود را به طور گسترده بر مردم تحمیل می گرداند. برخی اندیشمندان معتقدند رفتار شهروندان یا ویژگی‌هایی که در کیفیت زندگی مردم تاثیر دارند در نتیجه‌ی آنچه که قبلا در مکانی به وجود آمده است، تغییر می پذیرد. این گروه، فرایند مذکور را پخش فضایی نامیده و آن را به این شکل تعریف می کنند: "پخش فضایی عبارت است از گسترش یک پدیده از درون کانون اصلی، در میان مردمی که آمادگی پذیرش آن پدیده را دارند و این گسترش در گذر زمان انجام می گیرد." مسلماً هرگاه یک پدیده اعم از فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی در یک ناحیه فراگیر شده و پیامدهای ویژه‌ای داشته باشد، در صورت فراهم بودن شرایط لازم، آن پدیده به سایر نواحی نفوذ کرده و کیفیت زندگی مردم ناحیه جدید را تحت تاثیر خود قرار می دهد. یکی از مباحث مهم و اصلی برای رویارویی صحیح با پدیده‌ی پخش فضایی، آگاهی از نحوه‌ی انتشار آن پدیده، شناسایی مراکز اصلی شکل گیری، سرعت انتشار و بالاخره ارایه‌ی راهبردهای مناسب جهت بهینه کردن نحوه‌ی انتشار آن پدیده می باشد [12]. به اعتقاد صاحب نظران نظریه‌ی دولت و شهرنشینی، میان حکومت و دولت از یک سو و توسعه‌ی شتابان شهر و شهرنشینی در ایران از سوی دیگر، رابطه‌ی معناداری وجود دارد. متخصصان این نظریه انقلاب مشروطه را نقطه‌ی عطف تاریخی مهمی در تاریخ شهر و شهرنشینی ایران به حساب می آورند. آن‌ها معتقدند دولت‌های شکل گرفته در تاریخ ایران به شکل‌های گوناگون و هر یک به حدی، موجب افزایش کیفیت زندگی مردم شهری گشته‌اند که البته میزان این نقش، از شهری به شهر دیگر متفاوت است، ولی معمولاً این نقش دولت‌ها در افزایش کیفیت زندگی در شهرهای با جمعیت بیشتر، مراکز استانها و مراکز شهرستان‌ها که دولت در آنها حضور بیشتری دارد، پررنگ تر است. برخی اندیشمندان معتقدند مهاجرت بر کیفیت زندگی انسان تاثیر می گذارد. آن‌ها اظهار دارند که مهاجرت از دو عامل نشأت می گیرد: یکی نیروهای دافعه یعنی عواملی که از کیفیت زندگی فرد کاسته و موجب می گردند فرد مکان زندگی خود را ترک کند و دیگری نیروهای جاذبه یا عواملی که باعث می گردند فرد به سوی مکان دیگری جذب شود [14]. این عوامل کیفیت زندگی فرد مهاجر را افزایش می دهند. امروزه محیط کنونی شهرها و ضرورت توسعه و تعالی آنها، بسیاری از دستگاه‌ها و نهادها را وادار ساخته نقش‌های پیچیده، پویا و گوناگونی را بر عهده بگیرند. در این میان، بی تردید مرزهای سنتی از بین رفته، وظایف دستگاه‌های مختلف درهم آمیخته و برای خدمات رسانی مطلوب، ناگزیر دارای برهم کنش و وابستگی بسیاری می گردند. در چنین اوضاعی، دستگاه‌ها و سازمان‌ها باید از رویکردهای مناسبی به منظور ایجاد هم‌افزایی به عنوان یک مؤلفه‌ی راهبردی مهم استفاده نمایند. «مدیریت واحد شهری» یکی از همین رویکردها می باشد. به این معنی که برای فرهنگی کردن یک شهر، مدیران شهری باید دست در دست هم نهاده و در پوشش مدیریت واحد شهری به مردم خدمت کنند. یک شهر فرهنگی با مردم فرهنگی خواسته‌های زیادی دارد که بدون مدیریت واحد شهری به آن‌ها دست نمی‌یابد و برای ارتقاء فرهنگ شهری به تنهایی توانایی ندارد. در صورت وجود اعتماد میان شهروندان و مدیران شهری توان مدیران در پیاده کردن اهدافشان افزایش می‌یابد. حضور اجتماعی شهروندان در جامعه‌ی شهری، مستلزم ایجاد باور عمومی در شهروندان، مبنی بر مشارکت آنها در تصمیم گیری های شهری است. در واقع تقویت احساس تعلق به محله و شهر، منجر به مشارکت داوطلبانه‌ی بیشتر شهروندان خواهد شد. اگر آموزش به یک هدف و مسئولیت تبدیل شود و امکانات توسعه و پیشرفت برای همه ساکنین شهر از همان آغاز کودکی و نوجوانی فراهم شود در آن صورت است که شهر تبدیل به یک شهر آموزش دهنده خواهد شد [15]. وجود معضلات بزرگ شهری علاوه بر گسترش زمینه‌های بی اعتمادی میان انسان‌ها این احساس را در شهرنشینی ایجاد می کند که شاید مسئولان شهری قادر به اداره‌ی شهر نیستند و این امر در پاره‌ای مواقع میل به قانون گریزی را در جامعه دامن می زند و جلوگیری از این کار نیازمند برنامه‌ریزی‌های فرهنگی و ایجاد بستر فعالیت‌های سالم و سازگار از سوی مدیران و مسئولان و همچنین آموزش فرهنگ شهرنشینی به شهروندان است (بهرامی راد، دیدار نیوز). اگر مسئولان بتوانند سطح آگاهی مردم در فرهنگ صحیح شهرنشینی را ارتقا دهند و آنان را در امور شهری همراه خود ساخته و از نظرات و پیشنهادهای آنان برای ساخت شهری با شهروندان قانونمند استفاده کنند، گامی مؤثر جهت ارتقای فرهنگ شهرنشینی برداشته خواهد شد. استفاده صحیح از امکانات و خدمات شهری، توجه به حقوق دیگران، برخورد‌های مناسب و... جزء مسائلی هستند که یک شهروند باید آن‌ها را شناخته و در مقابل آن‌ها احساس مسئولیت کند تا جامعه‌ای منضبط و کارآمد ایجاد شود. آموزش آشنایی با حقوق شهروندی یکی از مهم‌ترین شاخصه‌های مؤثر در تعمیم فرهنگ شهرنشینی در شهرها می باشد. برخی افرادی که در شهرها زندگی می کنند معمولاً یا مهاجر هستند یا بقایای نسل مهاجران‌اند. این افراد هر یک بنا به فرهنگ و رسوم قبلی خود رفتار می کنند و این رفتارها کنار هم به شکل موازی پیش

رفته و رشد می‌کنند. حاصل این رفتارها باعث ایجاد ناهنجاری‌ها و تفرقه در آرا و نظرات مردم می‌شود که در نتیجه هر شهری برای ایجاد نظم قوانینی را وضع می‌کند تا افراد جامعه به شکل مشترک ملزم به رعایت آن شوند. اساسی‌ترین قوانین مربوط به شهروندی، شامل احترام به حقوق دیگران، وقت‌شناسی، عدم ایجاد مزاحمت، حفظ محیط زیست، ایجاد فضا و محله‌ی سالم، پیشگیری از هر گونه آلودگی‌های محیطی، صوتی و ...، مشارکت در اداره‌ی شهر و جلوگیری از تخریب اموال عمومی می‌شود که باید با ایجاد زمینه‌های فرهنگی جدید و دقت در اجرای قوانین، زمینه را برای اجرای هر چه بهتر و بیشتر آن‌ها تقویت کرد [16]. برقراری ارتباط مناسب بین شهروندان و دستگاه‌های مدیر، لازمه‌ی داشتن جامعه و شهری سالم و شهروندانی قانونمند و بهنجار است. تعدد خرده‌فرهنگ‌ها و قومیت‌های مختلف سبب ایجاد رسوم، سنن، رفتارهای اجتماعی و روابط اجتماعی متفاوت و متعدد در کلانشهرها می‌شود. بحران هویت و شکاف نسل‌ها، عدم تعادل توزیع قدرت در خانواده، مشکلات اقتصادی، وجود ارزش‌های نوین، بروز هنجارهای اجتماعی و... از جمله مسائل و مشکلاتی است که در شهرها و علی‌الخصوص در کلانشهرها، به علت عدم تعادل بین رشد فرهنگی و رشد شهرنشینی ایجاد می‌شود. در شهرهای رو به رشد همواره اقتصاد پولی و محاسبه‌گرایی، حرف نخست را می‌زند و تمام روابط انسانی از دریچه‌ی پول مشاهده می‌شود و به‌نظر می‌رسد نابودی اخلاق و انسانیت در شهرهای بزرگ ناشی از گسترش همین حس محاسبه‌گرایی باشد. برای ساماندهی فضای اجتماعی حاکم بر کلانشهر یا همان «فرهنگ شهرنشینی» که مستقیماً با زندگی روزمره و فرهنگ انسانها در ارتباط است، کارشناسان فرهنگی و اجتماعی باید اقدام کنند. زندگی در شهر باید با رعایت اصول و آدابی باشد که زیربنای اجتماعی و اقتصادی فرهنگ شهری را می‌سازد. فرهنگ شهرنشینی، فرهنگ رابطه‌ی افراد با یکدیگر، فرهنگ شهروندان در برخورد با مسائل گوناگون و نحوه‌ی بازتاب آن به سایرین در سایه‌ی تفکر، استنباط عمیق و صبر و شکیبایی می‌باشد [16]. در اصل، مجموعه‌ای از قانون‌های حاکم بر زندگی افراد جوامع شهری نیاز است که بدون حاکمیت این قانون‌ها، زندگی شهری به واقع‌های تلخ و غیرقابل تحمل برای همه‌ی افراد مبدل می‌شود. هر رفتار بدی که از ناحیه‌ی یک شهروند بروز کند، آثار زینبار آن بر مجموعه و فضای زندگی مردم دیگر تاثیر خواهد داشت. حفظ و صیانت از آثار کهن تاریخی که نشانگر تمدن نیاکان ماست و احداث مساجد، موزه‌ها، کتابخانه‌ها، پارک‌ها، فرهنگ‌سراها و دیگر مکان‌های فرهنگی نیازمند برنامه‌ریزی بوده و ساخت آن‌ها ارتقای فرهنگ شهرنشینی را به دنبال خواهد داشت. مدیریت واحد شهری در ایران بیش از آنکه به موضوع گردشگری و توسعه‌ی آن بپردازد باید به حفظ و انسجام اجتماعی و فرهنگی شهرتوجه کرده و میزان مشارکت و همکاری مردم را در اداره‌ی شهر افزایش دهد. مدیریت واحد شهری برای رونق بخشیدن به فعالیت در شهرها باید بکوشد و مانع از فرسودگی، تخریب و هرز رفتن منابع فرهنگی و تاریخی موجود در شهر گردد. این نهاد باید ساز و کارهایی را طراحی کند که علاوه بر تولید درآمد و سود، شهروندان را به گونه‌ای هدایت کند تا میان کسب منفعت بیشتر و یا حفظ هویت تاریخی و فرهنگی یکی را فدای دیگری نکنند و احساس تعلق آنان به شهر و منابع موجود در آن افزایش یابد، زیرا مردم نباید تنها در فکر سود بردن از منابع شهر باشند، بلکه باید با شهر و سیمای آن و فضاهای عمومی موجود در آن رابطه احساسی و شناختی برقرار کنند و عناصر مادی شهر برایشان بخشی از هویت و معنای زندگی را تشکیل دهد [17].

### پیشنهاداتی جهت بهبود عملکرد مدیریت شهری در ارتقای فرهنگ شهروندی

عملکرد مدیریت شهری جهت بهبود وضعیت زندگی شهروندان با معیارهای متفاوتی سنجیده می‌شود. در زمینه‌ی تجهیزات و تاسیسات شهری می‌توان به مواردی نظیر کیفیت روشنایی معابر، جمع‌آوری به موقع زباله، دسترسی به پارکینگ‌های عمومی و خصوصی، وضعیت مبلمان شهری، و کیفیت شبکه‌ی فاضلاب اشاره کرد که هر یک به نحوی در گسترش فرهنگ موثر می‌باشند. به عنوان نمونه جمع‌آوری به موقع زباله، سبب می‌شود شهروندان خود را موظف بدانند در زمان مشخص به خروج زباله‌های خود اقدام کنند که این امر موجب افزایش نظم و مسئولیت‌پذیری آنان می‌شود. روشنایی معابر علاوه بر ایجاد فضاهای زیبای شهری، موجب کاهش جرم و جنایت در محل‌های تاریک می‌گردد [18]. در زمینه‌ی شبکه‌ی معابر می‌توان از مواردی نظیر مناسب بودن زیرسازی معابر اصلی و فرعی، کیفیت آسفالت معابر سواره رو، کیفیت سنگ‌فرش پیاده‌روها، کیفیت جدول‌گذاری معابر و مناسب‌سازی معابر برای معلولین نام برد. که این موارد به افزایش کیفیت حمل و نقل و عبور عابران کمک شایانی کرده و علاوه بر ترغیب شهروندان به مشارکت در اداره‌ی امور شهر به علت رضایت از این نوع خدمات، آنان را در بهره‌گیری هرچه بیشتر از آموزش‌های

شهروندی تشویق می‌نماید. در زمینه‌ی خدمات شهری مدیریت شهری می‌توان به مواردی نظیر دسترسی به مدارس، بیمارستان‌ها، مراکز بهداشتی درمانی، سرویس‌های بهداشتی، مراکز تجاری، پارک‌ها و بوستان‌ها، پارک‌های کودک، مراکز فرهنگی ورزشی، فرهنگسراها، کتابخانه‌ها، سینماها و ... اشاره کرد [17]. موارد فوق نقش پررنگ‌تری در ارتقاء فرهنگ عمومی دارند و سازمان مدیریت شهری با افزایش کمی و کیفی این نوع فضاهای مورد نیاز شهروندان، می‌تواند گامی موثر در رشد فرهنگی برداشته و کمک شایانی به شهروندان نماید. با وجود مراکز فرهنگی و ورزشی، اوقات فراغت شهروندان می‌تواند با دریافت آموزش‌ها و انجام کارهای فرهنگی پر گردد و عدم بیکاری و پریشان فکری، مانع بسیاری از جنایات و بزهکاری‌ها می‌گردد. تشویق شهروندان به مطالعه و تفکر خلاق در محیط‌های آرام نظیر کتابخانه‌ها می‌تواند زمینه ساز رشد فکری و بعضاً نوآوری‌های منحصر به فرد گردد. در مجموع به نظر می‌رسد افزایش کیفی و کمی مراکز فرهنگی ورزشی و زمینه سازی مناسب و تشویق شهروندان به استفاده از این مراکز بیش از هر مورد دیگری می‌تواند در ارتقاء فرهنگ و بینش شهروندان موثر واقع شود [19].

### نتیجه‌گیری

با گسترش شهرها و رشد فزاینده‌ی شهرنشینی، نیاز به رشد موازی و همزمان فرهنگ در سطح جوامع به‌طور عمیق احساس می‌شود. خلا حضور رشد فرهنگی را می‌توان در هنگام بروز مسائل و معضلات عمیق اجتماعی مشاهده کرد. این امر (رشد فرهنگی) جز در سایه‌ی تلاش‌های بی‌وقفه‌ی نهادها و ارگانه‌های مربوطه و همکاری و مشارکت مردم صورت نمی‌گیرد. در میان این نهادها مدیریت شهری بیش از بقیه وظیفه‌ی ارتقای فرهنگ صحیح را به عهده داشته و نقش انکارناپذیری در سطح کیفیت زندگی شهروندان دارا می‌باشد، طوری که پژوهش‌ها نشان می‌دهند عملکرد مدیریت شهری بر ارتقا کیفیت زندگی شهروندان به شدت تاثیر گذار بوده است. این ارگان باید با برنامه‌ریزی صحیح و هدف‌مند و ایجاد بسترهای مناسب، به آموزش شهروندان پرداخته و آنان را در انجام وظایف شهروندی تشویق نماید. چنانچه فرهنگ شهرنشینی و شهروندی افراد با وجود تمام مشکلات شهری موجود بالا رفته و تقویت شود، می‌توان با مصرف مبالغ کلان در جای خود، در مدیریت هزینه‌ها موفق‌تر بود. جهت ارتقای فرهنگ شهرنشینی، مدیران باید به موازات تلاش برای حل مشکلات شهری، به مقوله‌ی مهم مهندسی مطلوب و روابط انسانی بپردازند و علاوه بر استفاده از تجربه‌ی مشترک شهرهای دنیا توجه خاص به روح انسان ایرانی مسلمان و ویژگی‌هایی که دارای پیشینه‌ی غنی فرهنگی است مبذول نمایند. فرهنگ‌سازی در مقوله‌ی شهرنشینی در بخش‌های مختلف باید از سنین کمتر انجام شود. ساخت مراکز فرهنگی همچون موزه، کتابخانه، فرهنگ‌سرا، سینما، پارک و مراکز تفریحی، مراکز ورزشی، مساجد، رسیدگی به نمای شهر و زیباسازی چشم‌اندازهای شهری، کنترل ترافیک در شهرهای شلوغ، تشویق افراد برای ماندن در زادگاه خود و آباد سازی آن، کمک به رشد و توسعه‌ی شهرهای کوچک، برگزاری مسابقات فرهنگی در سطح شهر، آموزش شهروندان از طریق رسانه‌ها و فضای مجازی و ... از جمله کارها و اقداماتی است که ارگان‌های مربوطه و علی‌الخصوص مدیریت شهری می‌توانند در جهت ارتقای سطح فرهنگ جامعه انجام دهند. البته از میزان حضور و همکاری شهروندان نیز نمی‌توان غافل بود؛ چرا که ارتقای فرهنگ یک ملت جز با خواست و مشارکت خود آن ملت صورت نخواهد پذیرفت.

## منابع و مراجع

- [۱] پوریوسفی، ح، شریعت نژاد، ع، ۱۳۸۸، بررسی عوامل فرهنگی- اجتماعی موثر بر آسیب‌های اجتماعی در خانواده‌های جانبازان متاهل ساری، مجله مدیریت فرهنگی، شماره ۵، ص ۳۶-۱۹.
- [۲] تقوایی، ع، ۱۳۸۸، درآمدی بر حکمروایی خوب شهری در رویکرد تحلیلی، فصلنامه مدیریت شهری، شماره ۲۳، ص ۵۸-۴۵.
- [۳] جوادی، الف، ۱۳۸۲، مدیریت شهری در ایران: فراز و فرود، ماهنامه شهرداریها، شماره ۴۷، ص ۱۱-۱۴.
- [۴] خلیل آبادی، ح، شاهمرادی قهه، س، خانی زاده، م، ۱۳۹۷، تأثیر عملکرد مدیریت شهری بر ارتقای کیفیت زندگی شهروندان (نمونه موردی: شهر جدید بهارستان)، فصلنامه انسان و محیط زیست، شماره ۵۴، تابستان ۹۷.
- [5] Cottrell, L, Shuli, y, Hongjie, L, Deveaux, L, Lunn, S, macbrain, R & Stanton, B (2006). Gender-based model comparisons of maternal values, monitoring, Communication, and early adolescent risk behavior, *Journal of adolescent heal* 41, 109-99
- [۶] رحیمی، ط، ۱۳۷۴، تحول در مدیریت شهری تهران، معاونت هماهنگی و برنامه ریزی شهرداری.
- [۷] رجب صلاحی، ح، ۱۳۸۲، ساختار حکومت محلی مدیریت شهری و شهرداری، تهران پایگاه اطلاع رسانی شهرسازی و معماری.
- [۸] سعیدنیا، الف، ۱۳۷۹، مدیریت شهری، سازمان شهرداری های کشور، تهران: جلد یازدهم.
- [۹] سلطانزاده، ح، ۱۳۶۵، مقدمه‌ای بر تاریخ شهر و شهرنشینی در ایران. تهران: نشر آبی.
- [10] Kelantari, Khalil, (2001), *Planning and Regional Development*, Tehran, Khoshbin Publications, Iran, No: I.
- [11] Lee, Everett. (1989), *A theory of migration*, Translator Bijan Zare, Compiled by Abdali lahasaei zade, First Edition, navid Publication, Shiraz.
- [۱۲] شفیع‌ی، ح، ۱۳۷۹، مدیریت در سطح محلی و توسعه پایدار، فصلنامه مدیریت شهری، شماره ۴، ص ۵۱-۵۴.
- [۱۳] شیعه، الف، ۱۳۸۲، لزوم تحول مدیریت شهری در ایران، مجله جغرافیا و توسعه، ش ۱، دانشگاه زاهدان.
- [۱۴] شهشهانی اصفهانی نژاد، ش، حداد، ش، ۱۳۹۷، شناسایی و مدیریت آسیب‌های فرهنگی و اجتماعی شهر تهران، مجله مدیریت فرهنگی سال یازدهم/ شماره 40/ تابستان ۱۳۹۷.
- [۱۵] صید بیگی، ص، سرور، ر، فرجی راد، ع، ۱۳۹۷، نقش مدیریت شهردر توسعه فرهنگ شهر و شهرنشینی (مطالعه موردی: شهر ایلام)، فصلنامه علمی پژوهشی نگرش‌های نو در جغرافیای انسانی، سال دهم، شماره سوم، تابستان ۱۳۹۷، ص ۲۸۷-۳۰۴.
- [۱۶] عدالتخواه، ف، میرزایی، م، وزیرپور، ش، ۱۳۸۸، مدیریت شهری و جایگاه آن در ارتقاء حقوق شهروندان، فصلنامه علمی پژوهشی جغرافیای انسانی، تهران: سال دوم، شماره اول، زمستان ۱۳۸۸.
- [17] Mc crea, Rod, Tung-Kai Shyy & Robert Smsom, 2004, *Modelling Urban Quality of Life in South East Queensland by linking subjective and objective indicators*.
- [18] Rahnamaei, M.T. (2009), *Government and urbanization in Iran*, "Fundamentals of the theory of city and urban development in Iran, *Journal of Geography and Regional Planning*: 143-167.
- [19] Shaqouei, H. (2008), *new ideas in geography*, Tehran, Gytashnasy Publications, Volume I, Seventh Edition.